

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

برگرفته از: کلوب والدای*
نویسنده: آلن فریمن
برگردان: «سایت ۱۰ مهر»
۰۱ اگست ۲۰۲۲

مسأله ناتو، چپ، و راهی به سمت صلح



حال چرا شکست ناتو باید تا این حد هراس ایجاد کند؟ ناتو ثمره نامشروع سردمداران مالی – نظامی انگلی است که آماده‌اند برای ذره‌ای از منافع خود، تمام دنیا را به آتش بکشند. چپ غربی برای هفتاد سال – با تجاوزات آنها در ویتنام، امریکای لاتین، خاورمیانه و افریقا – مخالفت کرد. اما حالا که این پیمان با چنین مانع بزرگی بر سر حاکمیت خود برخورد کرده، چرا همین چپ از این منظر دچار وحشت شده است؟

بگذارید در مورد موضع چپ در رویارویی با وقایع روز ببیندیشیم، و امیدوار باشیم که معنای «چپ بودن» و ربط آن به صلح را بتوانیم بهتر تعریف کنیم.

اگر اجازه دهید از یک سؤال پلائی شروع کنم: اگر ناتو پیروز شود، و یا اگر نیروهای دو جمهوری دوتنسک و لوگانسک تسلیم شده، و بالاخره اگر ارتش روسیه به پشت مرزها عقب رانده شود، آیا ما جهان بهتری خواهیم داشت؟ این سؤالی عینی و واقعی است، که با تکیه بر ایده‌آل‌های نظری و ذهنی همچون حق مقدس اوکراین بر مردم روس‌زبان دنباس و یا امپریالیست بودن روسیه و یا دستیابی فلسطینی‌ها به حقوقشان از طریق ارجاع به منابع مؤمنین اهل کتاب، قابل پاسخ نیست.

اگر ارتش روسیه اوکراین را ترک کند، جان میلیون‌ها و شاید میلیارد‌ها نفر به خطر می‌افتد، انبوهی مردم لطمه دیده و یا کشته خواهند شد. اگر ایده‌آل‌های شما این را درست می‌داند و یا همچون مادالین آلبرایت شما نیز مرگ نیم میلیون

کودک را «موجه» می‌دانید، این ایده‌آل‌های شماسست که معیوب است. همچنین اگر نظریه شما حکم می‌کند که باید اوکراین را تا دندان مسلح کرد و دست فاشیست‌ها را برای از میان بردن نفوذ روسیه کاملاً باز گذاشت، البته آزادی که این نظر را جار هم بزنید (بسیار هم راحت‌تر از من که با شما مخالفت می‌کنم)، اما دیگر شما را نمی‌توان چپ به حساب آورد.

اگر کسی بکوشد قربانی کردن بی‌شمار و غیرضرور انسان‌ها را با استدلال «نفع بشری» توجیه کند، او «نفع بشری» را به‌جای جان انسان‌ها با «دالر» می‌سنجد. و دیگر نمی‌توان او را چپ نامید. زیرا که چپ مدافع انسان‌هاست و نه مدافع مالکیت.

اگر روس‌ها اوکراین را ترک کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟

قبل از همه، شاهد پاکسازی نژادی خونینی در یک سوم سرزمین اوکراین خواهیم بود. جایی که ۱۴ میلیون روس‌زبان زندگی می‌کنند. فهم این مطلب نیازی به بررسی پیچیده‌ای ندارد؛ تنها کافی است وقایع هشت سال گذشته را به‌یاد آوریم، که چگونه دنباس به جرم مقاومت در مقابل جانینان و تقاضای خودمختاری، در معرض حملات دائم نظامی قرار داشت. این حملات تنها به اراده گروه‌های افراطی انجام نمی‌شد؛ جزء لایتنج‌های آن پایبندی حاکمان اوکراین به برداشت آنها از مفهوم ملت بود. لب کلام این نظریه، با حذف ظواهر فریبنده، ناسازگاری نژاد روسی با ملیت اوکراینی است. آزوفی‌ها تنها با کشتار و شکنجه مخالفان، این نظریه نژادپرستانه را عملی می‌کردند. زمانی حمایت از آنها تنها با اشاره و به‌طور ضمنی بود، اما اکنون از آنها به‌عنوان قهرمانان ملی نام می‌برند.

به‌همین دلیل است که این جنگ را نه یک اشغال نظامی بلکه جنگی داخلی باید به‌حساب آورد. جنگی که لاجرم مفهومی ملی به خود می‌گیرد. تصور کنید اگر اسپانیایی‌تبارها را در ایالات متحده طرد نمایند و یا کانادا، فرانسوی‌تبارها نه حتی خارج از کبک، بلکه در داخل کبک طرد کند، آیا در یک چشم به‌هم زدن همه کشور از هم نخواهد پاشید؟ حال تبعات آن برای روسیه چه خواهد بود؟ آیا پیروزی ناتو روس‌ها را از زیر «یوغ پوتین» آزاد خواهد کرد؟ البته که نه: واشنگتن می‌خواهد دولتی دست‌نشانده غرب را بر سر کار بیاورد، که چوب حراج بر منابع کشور بزند. تنها با نادیده گرفتن واقعیت‌های اساسی می‌توان این پیروزی را آزادسازی نامید.

با انحلال اتحاد شوروی، میانگین استاندارد زندگی به یک پنجم قبل تنزل پیدا کرد، و بیش از سه میلیون نفر تلف شدند. در جنگ جهانی دوم ۲۰ میلیون شهروند شوروی کشته شدند. بی‌دلیل نیست که پوتین و درگیری روسیه در اوکراین، این چنین از اقبال عمومی روس‌ها برخوردار شده است. آن که با حمایت غرب قرار است جانشین پوتین شود، باید با ترور حکومت نماید، درست مثل زلنسکی دموکرات که یازده حزب مخالف را ممنوع و اعضای آنان را به زندان انداخت.

حال گزینه دیگر چیست؟

بگذارید این گزینه را بدرستی شکست ناتو بنامیم، دشمن روسیه مردم اوکراین نیستند، دشمن آنها ناتو است که می‌خواهد جنگ را تا آخرین نفر اوکراینی ادامه دهد. برای ناتو مردم اوکراین تنها گوشت دم توپ هستند. درگیری بر سر نظم عمیقاً ناعادلانه‌ای در جهان است که چهار پنجم مردم جهان را به بردگی اقتصادی کشانده است. استقلال با نقض حاکمیت اقتصادی، شعاری توخالی بیش نیست.

حال چرا شکست ناتو باید تا این حد هراس ایجاد کند؟ ناتو ثمره نامشروع سردمداران مالی - نظامی انگلی است که آماده‌اند برای ذره‌ای از منافع خود، تمام دنیا را به آتش بکشند. چپ غربی برای هفتاد سال - با تجاوزات آنها در ویتنام، امریکای لاتین، خاورمیانه و آفریقا - مخالفت کرد. اما حالا که این پیمان با چنین مانع بزرگی بر سر حاکمیت خود برخورد کرده، چرا همین چپ از این منظر دچار وحشت شده است؟

ببینیم تا به حال چه پیش آمده؟ تلاش ایالات متحده در «خفه کردن اقتصاد روسیه» با قطع ارتباط آن با نظام مالی و تجاری، شکست خورده و در نتیجه نظام دست به خودتخریبی زده است.

در این موقعیت تنها دو سلاح در اختیار سردمداران مالی - نظامی باقی مانده است. سلاح‌هایی که جهان جنوب را برای نسل‌ها عقب نگاه داشته است: تسلط بر تجارت و تسلط بر بخش مالی. انحصار دالر در تجارت، با به‌کارگیری روش‌های پرداخت بدیل، در حال افول است. با محو کامل این نظام، دست کشورها برای تجارت به دلخواه خود گشوده می‌شود. تحریم‌های تحمیلی تنها منحصر به کالاهایی با فن‌آوری پیش‌رفته خواهد بود، مانعی که با پیشرفت شگفت‌آور چین به‌سرعت در حال محو شدن است.

[* https://valdaiclub.com/a/highlights/nato-the-left-and-the-path-to-peace/](https://valdaiclub.com/a/highlights/nato-the-left-and-the-path-to-peace/)

۰۹ مرداد- اسد- ۱۴۰۱